



آموزش

دکتر مصطفی مجد

آموزش تاریخ معرفتی میان رشته‌های

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
سال چهارم علوم انسانی



در تعریفی کلی، تاریخ سرگذشت انسان در طول زمان بیان شده است. چنین تعریفی، جریان‌های بسیاری از ابعاد گوناگون تلاش بشری را در بر گرفته است. مورخان و محققان با مطالعه و بررسی‌های علمی خویش، در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، آثار ارزشمندی به یادگار گذاشته‌اند. با وجود آن، اینک با گذشت سالیان دراز از تدریس درس تاریخ به صورت رسمی و غیررسمی در محافل، مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها، هنوز هم چنان که باید به این پرسش‌های اساسی که تاریخ چیست، و آن را باید چگونه خواند و چگونه آموزش داد، پاسخ‌های در خوری داده نشده است.

آموزش‌های رسمی تاریخ از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نیستند و این مسأله، علل و عوامل گوناگونی دارد؛ از انگیزه و علاقه‌ی دانش‌آموزان و اولیای آنان، کمیت و کیفیت کتاب‌های درسی، توزیع نامناسب ساعات درسی در جدول دروسها [روح‌الامینی، ۱۳۸۴]، تا تناسب نداشتن رشته‌ی تحصیلی دبیران که چندان هم منحصر به نظام آموزشی ما نیست [جوادیان و نوروزی، ۱۳۸۳: ۵]. از ارائه‌ی تکراری این علل و عوامل افت آموزشی تاریخ چه سود، وقتی که هنوز سهم و نقش آموزش تاریخ شناخته شده نیست؟ در حالی که پس از انقلاب فرانسه بر اهمیت آموزش تاریخ در دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها افزوده شد، چنان که تاریخ در آموزش دبیرستانی مهم‌ترین موضوع درسی به حساب می‌آمد. [امالوی، ۱۳۶۹: ۱۹].

اکنون در کشور ما، در هیچ یک از مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها، هیچ دانش‌آموخته‌ای در رشته‌ی تاریخ، «آموزش تاریخ» را چه به صورت واحد یا واحدهایی و چه به صورت دوره، نمی‌گذرانند، و آن وقت، «شیویدی غم‌انگیز و اسفناک آموزش تاریخ در مدارس» [زیبا کلام، بی‌تا: ۱۹]، بیش‌ترین انگیزه‌ی یک استاد حقوق و علوم سیاسی دانشگاه در تألیف کتابی با عنوان «ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران» عنوان شده است! البته موضوع آموزش تاریخ برای برخی استادان تاریخ دانشگاه‌ها همواره یک دغدغه بوده است [کامران مقدم، ۱۳۸۵] در سطح آموزش و پرورش نیز، تألیف کتاب‌های درسی تاریخ نشانه‌ای از تلاش برای بهبود آموزش تاریخ است. اما جریان یک طرفه‌ی تدریس معلمان محصور در عنوان‌ها و فهرست مطالب درسی، حکایت از آن دارد که آموزش تاریخ فراتر

از کتاب و معلم، به آگاهی‌ها و مهارت‌های دیگری مرتبط با موضوع تاریخ نیازمند است.

مگر نه این که تاریخ به‌طور عمده با علومی که با انسان و رفتار او سروکار دارند، ارتباط دارد؟ [زرین کوب، ۱۳۷۹: ۱۱۸] بنابراین، با طرح آموزش تاریخ به عنوان معرفتی چند رشته‌ای، می‌توان از منظری دیگر به آن نگریست. معرفتی به این معنا که «اضلاع و جوانب گوناگون دارد و صرفاً در محدوده یک تخصص نمی‌گنجد» [ساروخانی، ۱۳۷۲: ۲۹۶]، [طرحی چنین، البته با پرسش‌هایی نیز روبه‌روست؛ این که: «آیا مفهوم میان رشته‌ای بودن را ... باید پشتوانه‌ی ساده خیال‌پردازی‌ها و موضوع طرح‌های بی‌فایده شمرد، یا جلوه‌ای از تعاملات حقیقی و مؤثر؟» [لئون، ۱۳۸۰: ۶۷]. و یا این که: «آیا ما اساساً این امکان و اجازه را داریم، یا قادر به این کار هستیم که بیاییم تاریخ را از علوم دیگر، مانند اقتصاد، سیاست، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و حتی علومی نظیر: فیزیک، شیمی و ... جدا کنیم؟ [نوذری، ۱۳۸۲: ۷-۸] در حالی که همواره بر ضرورت هم‌گرایی و نزدیکی بین تاریخ و سایر رشته‌ها تأکید شده است [همان، ص ۶].

با مطالعه، بررسی و پژوهش پیرامون این پرسش‌ها و در پی یافتن پاسخ آن‌ها، می‌توان جایگاه تاریخ در میان علوم انسانی و موضوع آن را نسبت به علومی چون: فلسفه، الهیات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی شعباتی از تاریخ، چون تاریخ فرهنگی، اجتماعی یا سیاسی، یافت. این که میان تاریخ و علوم انسانی رابطه یا روابطی آشکار وجود دارد، به معنی انکار یا دست کم گرفتن اهمیت تفاوت‌های میان آن‌ها نیست. پنجاه سال از آگاهی‌های میان رشته‌ای می‌گذرد [لئون، ۱۳۸۰: ۱۷۰]، اما چرا هنوز تحقق نیافته است؟ آیا مشکلات موجود می‌تواند «تأثیر متقابل رشته‌ها و دور نمای عینی، و عمیق ساختن متقابل و هماهنگ آن‌ها را پنهان سازد؟» [همان، ص ۷۲] مسلماً چنین نیست. افزایش خیره‌کننده‌ی سرعت سیر تولید دانش در عرصه‌های گوناگون و تنوع آگاهی‌ها بر کاربست آن‌ها تأثیر شگرفی گذاشته است که کاستن از فاصله‌ی آن‌ها، تبادل نظر و همکاری میان صاحب‌نظران رشته‌های گوناگون و مرتبط را می‌طلبد. اگر تاریخ را «اساساً به مثابه مجموعه‌ای از دانش‌ها، اطلاعات، و یافته‌های گردآوری شده، تعدادی از فرمول‌ها و پارادایم‌ها

بپذیریم و از این زاویه به آن بنگریم، متوجه می‌شویم که رابطه‌ای منطقی بین آن‌ها و سایر علوم وجود دارد» [نوذری، ۱۳۸۲: ۷].

مطالعه‌ی چنین رابطه‌ای ذیل عنوان «معرفت چند رشته‌ای» امکانپذیر خواهد بود؛ البته چنان‌که بتوان فلسفه، ادبیات، الهیات، جغرافیا، هنر و معماری، اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فناوری و مهارت‌هایی چون روش‌های تدریس، تحقیق و آزمون را نیز رشته‌های هم‌پسته معرفی کرد (به شبکه‌ی مفهومی در پایان مقاله مراجعه شود). چه بسا در جریان چنین مطالعاتی، آثار تعصب‌ها، جزمیت‌ها و تعارض‌های حاصل از تفاوت رشته‌ای نیز تعدیل شوند.

درباره‌ی آموزش تاریخ و فلسفه همین بس که همواره این پرسش که چرا تاریخ باید آموزش داده شود، مطرح بوده است و بی‌مطالعه و بررسی تاریخ فلسفه‌های موجود در آموزش تاریخ و معتقدان به آن فلسفه‌ها [افضلان، ۱۳۸۵]. پاسخ‌ها چندان قانع‌کننده نبوده‌اند. درباره‌ی اهمیت این ارتباط می‌توان یادآور شد، در فرانسه از آغاز قرن بیستم، هم‌زمان با پیشرفت‌های بی‌سابقه در آموزش تاریخ در دبیرستان‌ها، آن‌را با آموزش فلسفه همراه کردند [امالوی، ۱۳۶۹: ۹]. و یا درباره‌ی روان‌شناسی و ارتباط آن با آموزش تاریخ این پرسش مطرح است که چگونه می‌توان از درک زمان و تشخیص تفاوت‌های گذشته و حال، و ارتباط آن‌ها سخن گفت، اما از توانایی و مهارت بازشناسی روابط کلی و جزئیات مهم و غیرمهم «روایات تاریخی» [صفوی، ۱۳۷۱: ۷۷]، آگاهی‌های ضروری نداشت. و یا وقتی گفته شده است: «تفاوت نظریات یادگیری و یا اعتقاد به هر یک از نظریات یادگیری، مثلاً گشتالت یا پیاز، به تفاوت روش‌های آموزشی و پرورشی می‌انجامد» [هرگنهان و اکسون، ۱۳۸۳: ۳۲۳]. چگونه می‌توان از آن‌هایی خبر بود؟ و یا از مرحله‌ی آموزش مفاهیم اساسی و با هدایت دانش‌آموزان به سوی حل مسائل زندگی، در آموزش تاریخ بهره نگرفت؟ درباره‌ی نقش مهم معلم و ارتباط وی با دانش‌آموزان در روند یادگیری، آن را صرفاً یک توصیه بدانیم یا یک اولویت [همان، ص ۳۲۱] قلمداد کنیم؟

در ارتباط با چیستی و چرایی تاریخ «ضرورتاً پای بسیاری از رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی به میان می‌آید، چنان که در تبیین علل یک واقعه یا یک رخداد مجبوریم، به

علل متفاوت اعم از اقتصادی، سیاسی، روانکاوانه، زبانی و... توجه کنیم [نوذری، ۱۳۸۲: ۷] و به همین گونه است مواردی دیگر از جمله:

روش‌های آموزش تاریخ

شامل:

چگونگی بهره‌گیری از منابع اولیه، منقولات (تاریخ شفاهی)، مشاهدات (آثار و اثبته تاریخی) مکتوبات (آثار مکتوب) و استنباطات (برداشت‌های محققان تاریخی)

تمرین پرسش و پرسشگری

مباحثه (مطالعه و بررسی نوع واکنش دانش‌آموزان)

کتاب‌خوانی (با توجه خاص به کتاب‌های داستانی - تاریخی) [نوذری، ۱۳۸۳]

سندخوانی

تقالی

مطالعه و بررسی نوشته‌های دانش‌آموزان (نوع تاریخ‌نگاری دانش‌آموزی)

IT و آموزش تاریخ

شامل:

چگونگی استفاده از IT در آموزش تاریخ

بررسی محاسن و معایب استفاده از IT در آموزش تاریخ

بررسی و تهیه‌ی برنامه‌های نرم‌افزاری در آموزش تاریخ

اینترنت و تاریخ [مینوتی، ۱۳۸۱]

معارف دینی

شامل:

آگاهی‌هایی درباره‌ی ادبیات الهی و مشترکات آن‌ها و تفسیرهای تاریخ کتاب آسمانی

بررسی و مطالعه‌ی پیش‌فهم‌ها و تفسیرهای متفاوتی مؤثر بر رخدادها و منابع تاریخی

جغرافیا

شامل:

آگاهی از نقش مکان در شکل‌گیری تمدن‌ها و رخدادهای تاریخی

آشنایی با مکان‌های مهم تاریخی

نقشه‌خوانی



ادبیات

شامل:

آشنایی با نقش متون به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع

تاریخی

متن خوانی

سندخوانی

شعر

زمان

علوم اجتماعی

شامل:

کنش‌ها و واکنش‌های انسانی در دوره‌های گوناگون

حیات اجتماعی انسان

سیر تحولات اجتماعی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

هنر و معماری

شامل:

بررسی عوامل مؤثر در خلق آثار هنری

آشنایی با آثار هنری برجسته

فناوری

شامل:

آشنایی با اختراعات بشری، خطه، فن چاپ و انقلاب

صنعتی

روش آزمون

شامل:

آگاهی از انواع روش آموزش، با توجه به هدف‌ها،

سرفصل‌ها و روش تدریس [افضالان، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۲].

بدین ترتیب، طرح موضوع میان رشته‌ای بودن آموزش تاریخ می‌تواند با رویکردهای یاد شده و با در نظر گرفتن بعد پرورشی آموزش آن، همراه با تشکیل گروه‌های کاری میان رشته‌ای، به تأسیس رشته‌ی آموزش تاریخ و یا اختصاص حداقل واحد یا واحدهایی به آموزش تاریخ در مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها بینجامد. این مهم را می‌توان با برگزاری دوره‌هایی برای کارشناسان گروه تاریخ «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی»، و معلمان و دبیران تاریخ سراسر کشور آغاز کرد.

زیرنویس

1. Course
2. Software

منابع

۱. روح‌الامینی، جمیله سادات، سیر تحول برنامه‌های درسی در ایران نورالغفین، ۱۳۸۴.
۲. جوادیان، مسعود و نوروزی، جمشید. آموزش تاریخ در انگلستان. فصل‌نامه‌ی آموزش تاریخ ۱۷، دوره ششم، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۳.
۳. امانوی، کریستین. آموزش یک ملت. پیام یونسکو، سال ۲۹، ش ۲۳۹، اردیبهشت ۱۳۶۹.
۴. زیباکلام، صادق. ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی در ایران عصر قاجار (سنت و مدرنیته). انتشارات روزبه، بی‌تا.
۵. کامران مقدم، شهین دخت. اصول و مبانی تاریخ. انتشارات دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۸۵.
۶. زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ در ترازوی امیرکبیر. چاپ ششم، ۱۳۷۹.
۷. ساروخانی، باقر. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. پژوهشکده‌ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۸. لئون، آنتوان. وضع کنونی تاریخ آموزش و پرورش. ترجمه‌ی دکتر محمد علی کاردن. پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت، ۱۳۸۰.
۹. نوذری، حسینعلی. «تاریخ آینده است». فصل‌نامه‌ی گزارش گفتگو، سال دوم، شماره‌ی ۷، آذر و دی ۱۳۸۲.
۱۰. افضالان، فریده. سرفصل‌های اصلی آموزش تاریخ در انگلستان. فصل‌نامه‌ی رشد آموزش تاریخ، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۳، بهار ۱۳۸۵.
۱۱. صفوی، امان‌الله. کلیات روش‌ها و فنون تدریس. انتشارات معاصر، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
۱۲. هرگنجان بی. آر و اکسون مینو. اج مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه دکتر علی اکبر سیف. نشر دوران، چاپ هفتم، ۱۳۸۲.
۱۳. نوروزی، جمشید. «در تدوین و نشر کتاب‌های داستانی - تاریخی به چه نکاتی توجه کنیم؟» فصل‌نامه‌ی رشد جوانه، زمستان ۱۳۸۳.
۱۴. مینوتی، رولاند. اینترنت و حرفه‌ی تاریخ‌نگاری. ترجمه‌ی حسن فرمتیان. پژوهشکده حوزه‌ی دانشگاه، ۱۳۸۱.
۱۵. افضالان، فریده. «دانش‌آموزان و تاریخ». فصل‌نامه‌ی رشد آموزش تاریخ، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۴، تابستان ۱۳۸۴.

16. www.teachinghistory.html

